

فکر بلند

بعضی ها فکرشان خیلی بلند است. مردی مزرعه‌ای را وقف کرد و گفت: درآمد این مزرعه را هدیه بخرید و روزهای جمعه به بیمارستان بروید و از بیمارانی که عیادت کننده ندارند، عیادت کنید.



نماز و وقف

فکر و فرهنگ نماز، مسأله مسجدسازی و قرار دادن موقوفات برای آن را در جامعه به وجود می‌آورد. صدها هزار قطعه زمین و مغازه و مزرعه در طول تاریخ وقف مساجد شده که این خود يك صدقه دائمی و يك حرکت الهی و خدمت اجتماعی است که در شعاع نماز و مسجد نصیب مردم می‌شود. وقف چراغی است که انسان برای فردای خویش می‌فرستد. وقف نشانه تداوم مالکیت انسان بعد از مرگ است. وقف نشانه عشق به مکتب و مردم است.



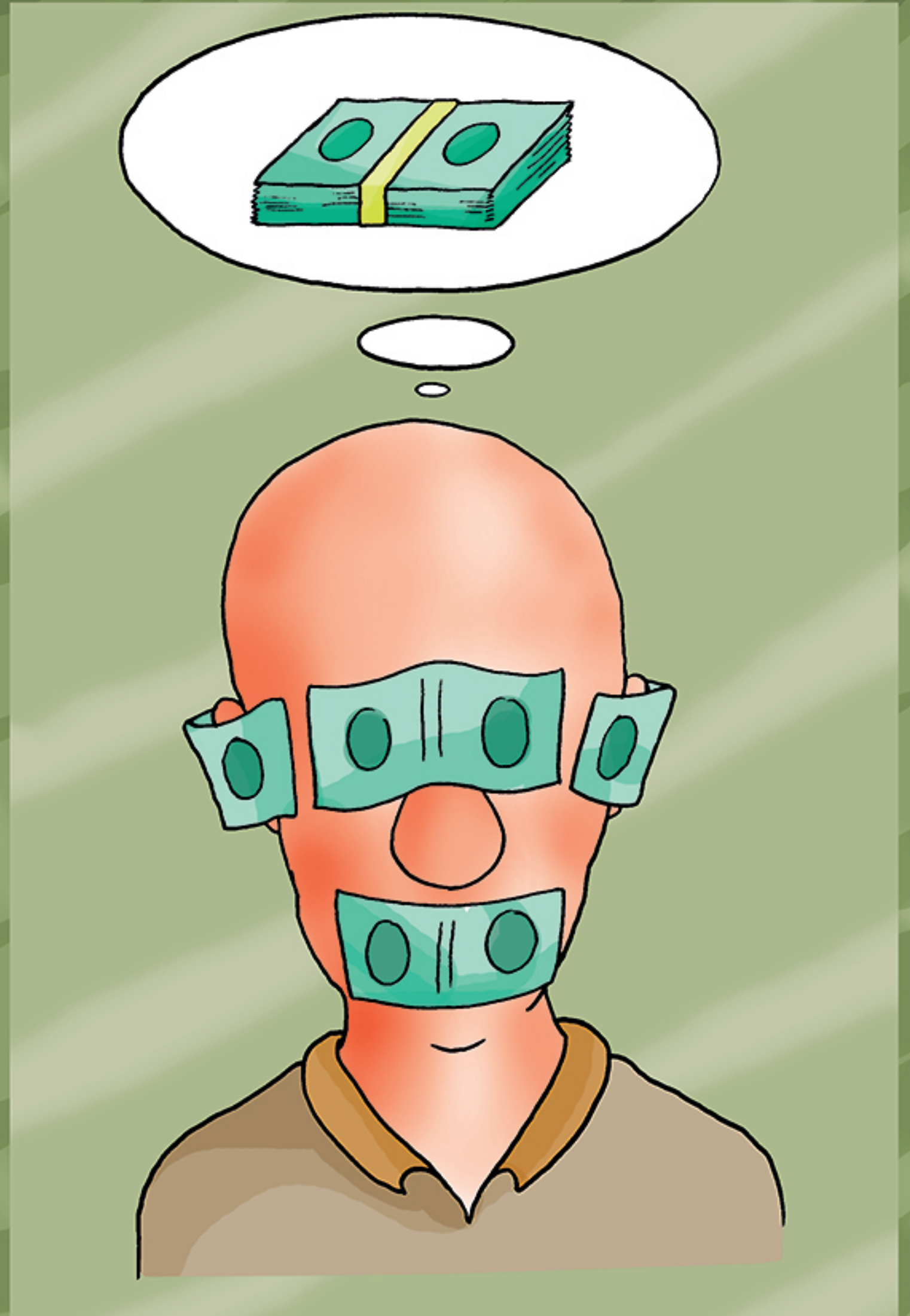
مضاربه با خدا

وقف مضاربه بی ضرر با خداست. این هایی که مضاربه می‌کنند، پول می‌دهند ممکن است سرمایه‌شان از بین برود. همین الآن که داشتم می‌آمدم در ماشین يك کسی زنگ زد که فلانی پول گرفته برای تجارت ورشکست شد. وقف یعنی مضاربه با خدا. مضاربه با خدا شکست ندارد. چون «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى» (توبه/ ۱۱۱) به بهشت می‌خرد.





انفاق بی منت
 وقف، انفاق بی منت است. چطور؟ آدم وقتی زنده است پول به کسی می دهد، ممکن است منت بگذارد. من بودم که تورا داماد کردم. جهیزه ات را من درست کردم. خانه ات را من به تو وام دادم. هی می گوید: من، من ... اما وقتی وقف می کنی می میری، دیگر طرف را که استفاده می کند نمی بینی که بر سرش منت بگذاری. بنابراین وقف انفاق بی منت است.



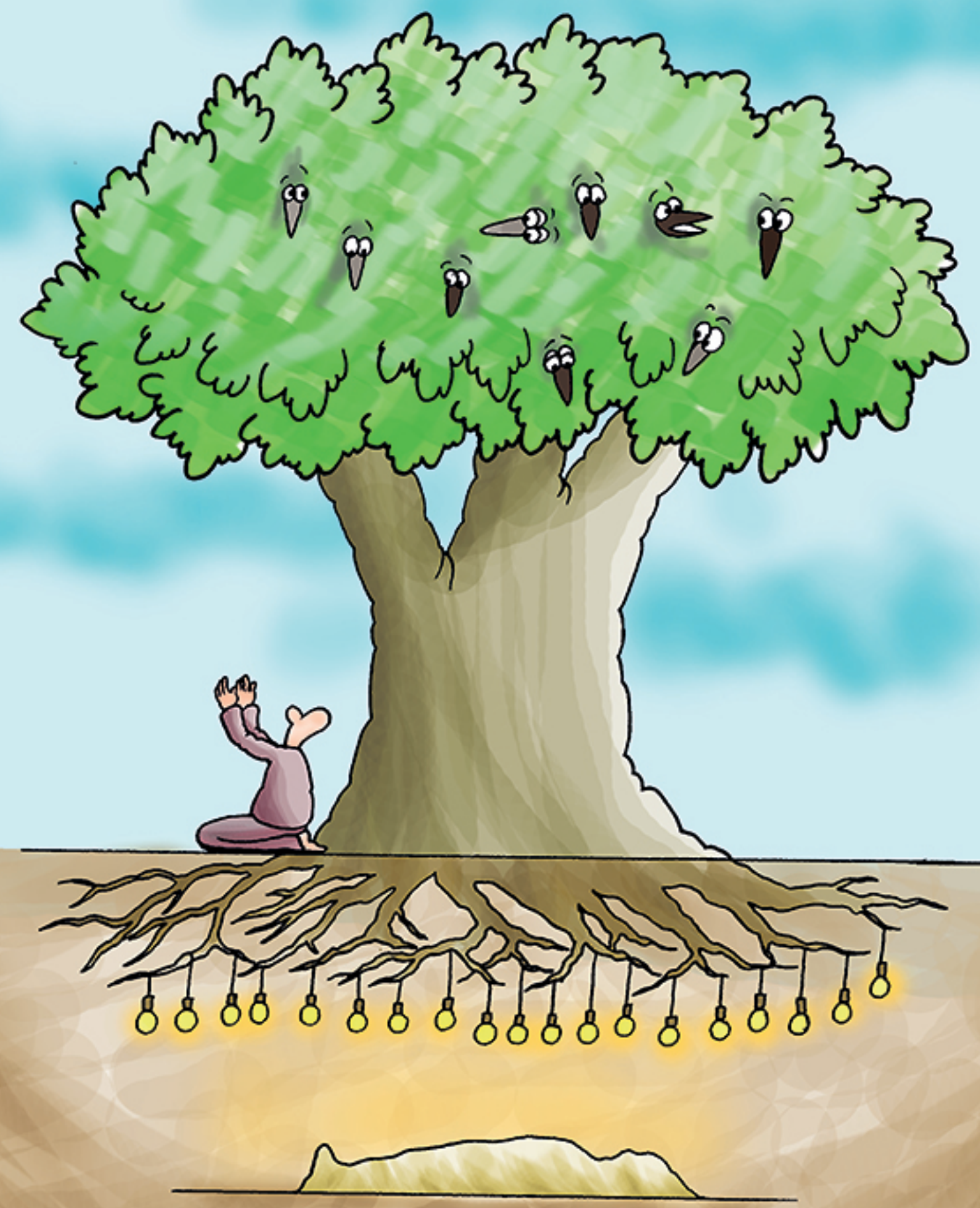
وقف به کوثر رسیدن است کسی که از پول نگذرد؛ در خط قارون است. کسی که از پول بگذرد؛ در خط خدیجه است. خدیجه مال کثیر داد، خداوند به کوثرش رساند. خدیجه پولدار بود. مال کثیر داد، مادر کوثر شد. مال کثیر بدهیم تا به کوثر برسیم. وقف از کثیر گذشتن و به کوثر رسیدن است.



وقف برای صدای مظلوم در ایران کسی چیزی را وقف کرده که درآمدش کم است. گفته همین درآمد کم را بدهید به کسانی که ناله مظلوم را به مقامات رسمی برسانند و این موقوفه درآمدش خرج این شود. این، فکرمی خواهد ممکن است کسی که در روستایی مشکلی دارد، ناله اش به جایی نرسد. در قدیم چنین وقفی داشتیم.

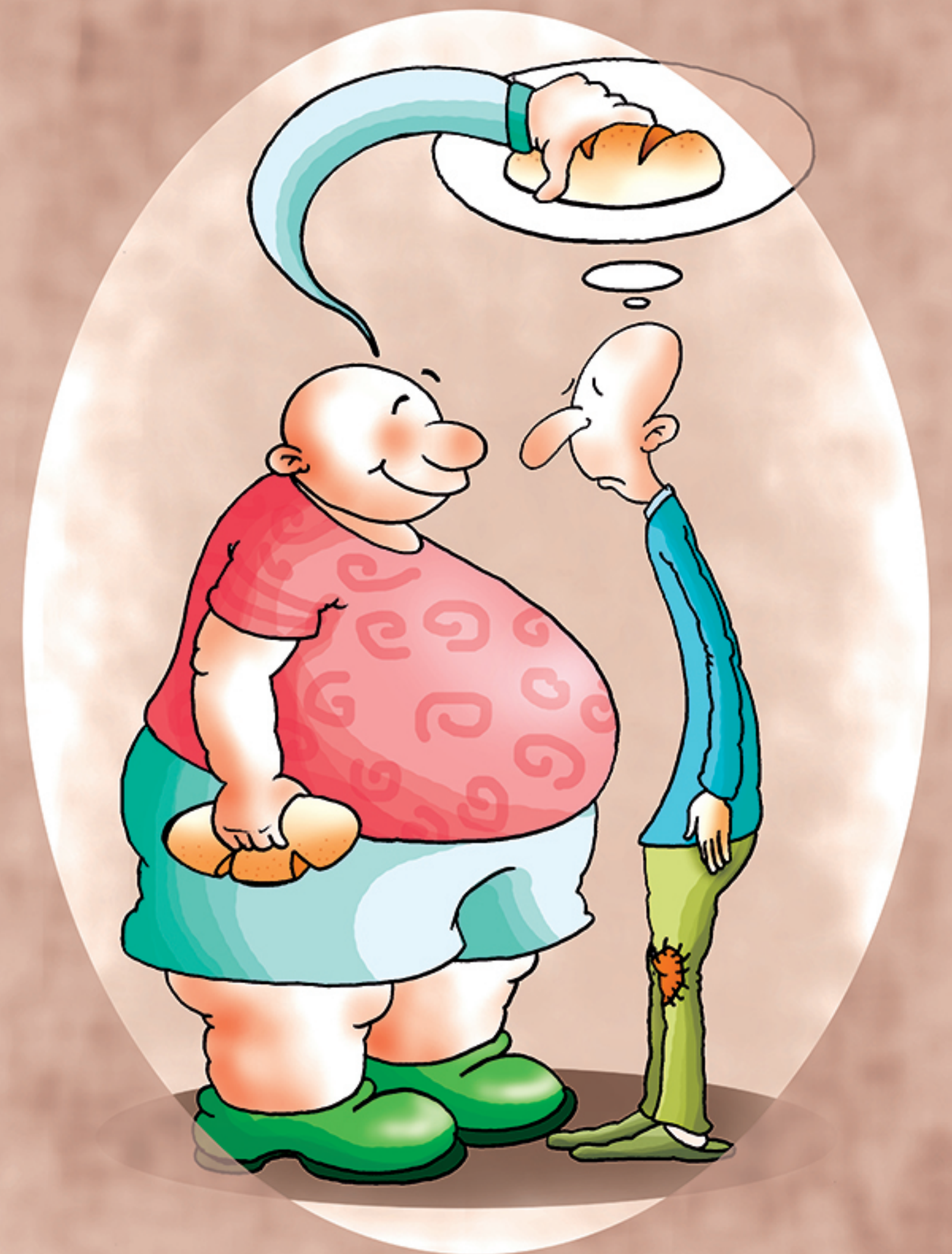


زیاد شدن کم با وقف
 حدیث داریم: وقتی انسان می‌میرد همه چیزش از دنیا قیچی می‌شود؛ اما اگر در دنیا درختی کاشته باشد، هرکس در طول زمان از چوب و میوه و سایه‌اش استفاده کند (حتی اگر پرنده‌ای از آن استفاده کند و مثلاً لانه‌ای در آن بسازد) ثوابش را به آن آقای که صد سال پیش این درخت را کاشته است می‌دهند. حدیث داریم: اگر کسی کشاورزی کند، حتی اگر پرنده و خزنده و چرنده از محصولات کشاورزی بخورند، ثوابش را به کشاورز می‌دهند. وقف، یک چیز کم را زیاد می‌کند.



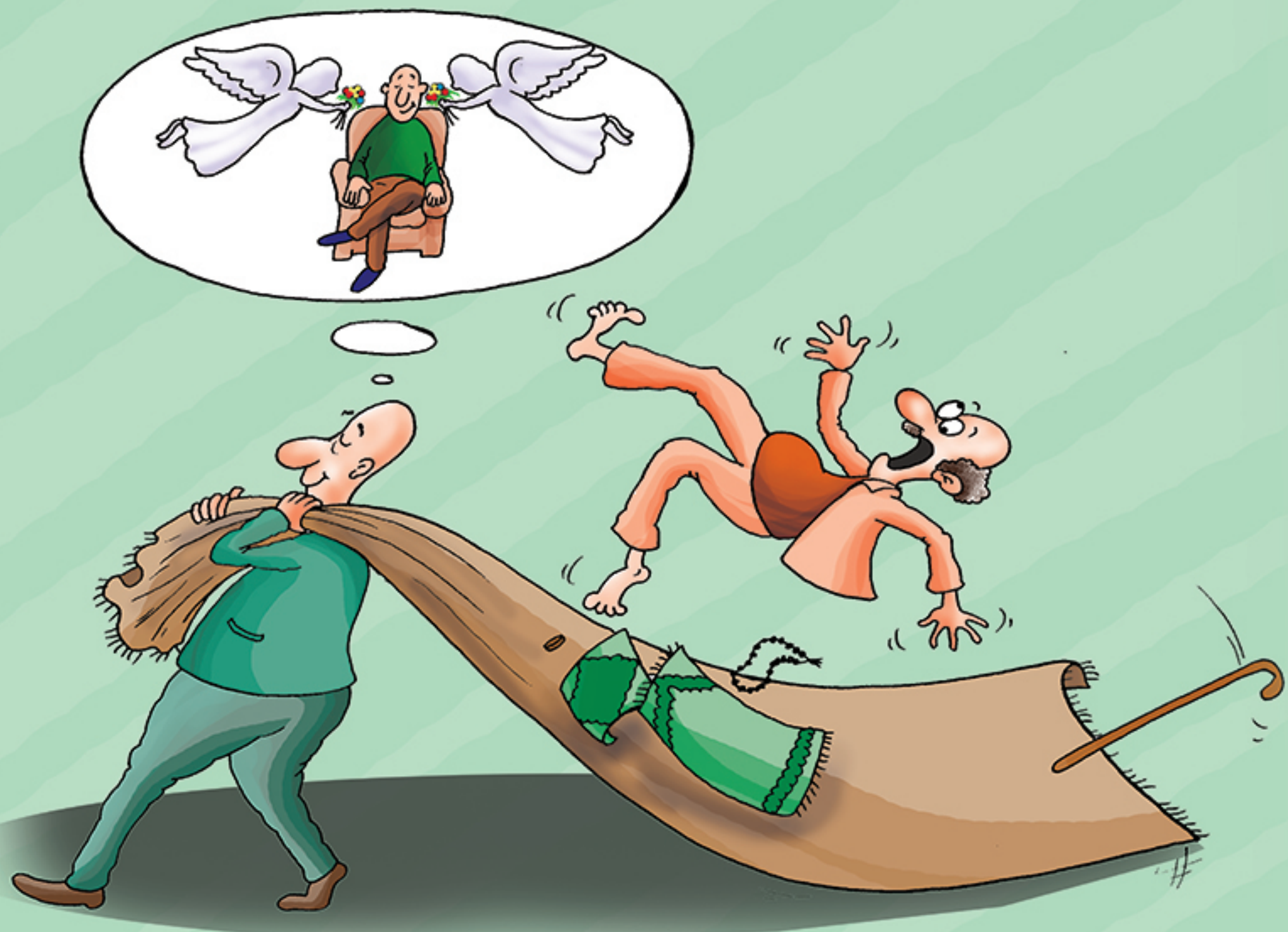
خدا همه چیز را می‌بیند

می‌فرماید: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَ مَا لِيُظَاهِرَ مِنْ أَنْصَارٍ» (بقره/ ۲۷۰) نذر و وقف و پول‌هایی که در راه خدا می‌دهی، خدا می‌داند. خُب خدا همه چیز را می‌بیند؛ اما می‌خواهد بگوید: پول دادن در راه خدا حسابش جداست. این یعنی خط و ویژه. قرآن راجع به وقف و برای تشویق به وقف کردن مطالبی دارد: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» (شعراء/ ۸۸) روزی می‌آید که مال و بچه به درد نمی‌خورند. بچه‌های شما اگر از «خوب‌ها» باشند، خدا بندگان خویش را گرسنه نمی‌گذارد؛ اما اگر بچه‌های بدی باشند، آدم برای بچه‌ها نباید زیاد غصه بخورد؛ البته از این جهت که پدر است به مقدار جهیزیه، به مقدار يك مسکن و اتاق باید به آنها بدهد. اما اینکه بگوید: من می‌خواهم برای رفاه حال فرزندانم يك استخر درست کنم! در حالی که بچه‌های همسایه ۸ نفر هستند و يك یخچال ندارند! آیا این که يك نفر همه چیز داشته باشد و يك دیگر چیزی نداشته باشد، صحیح است؟!!



استدلال عوام

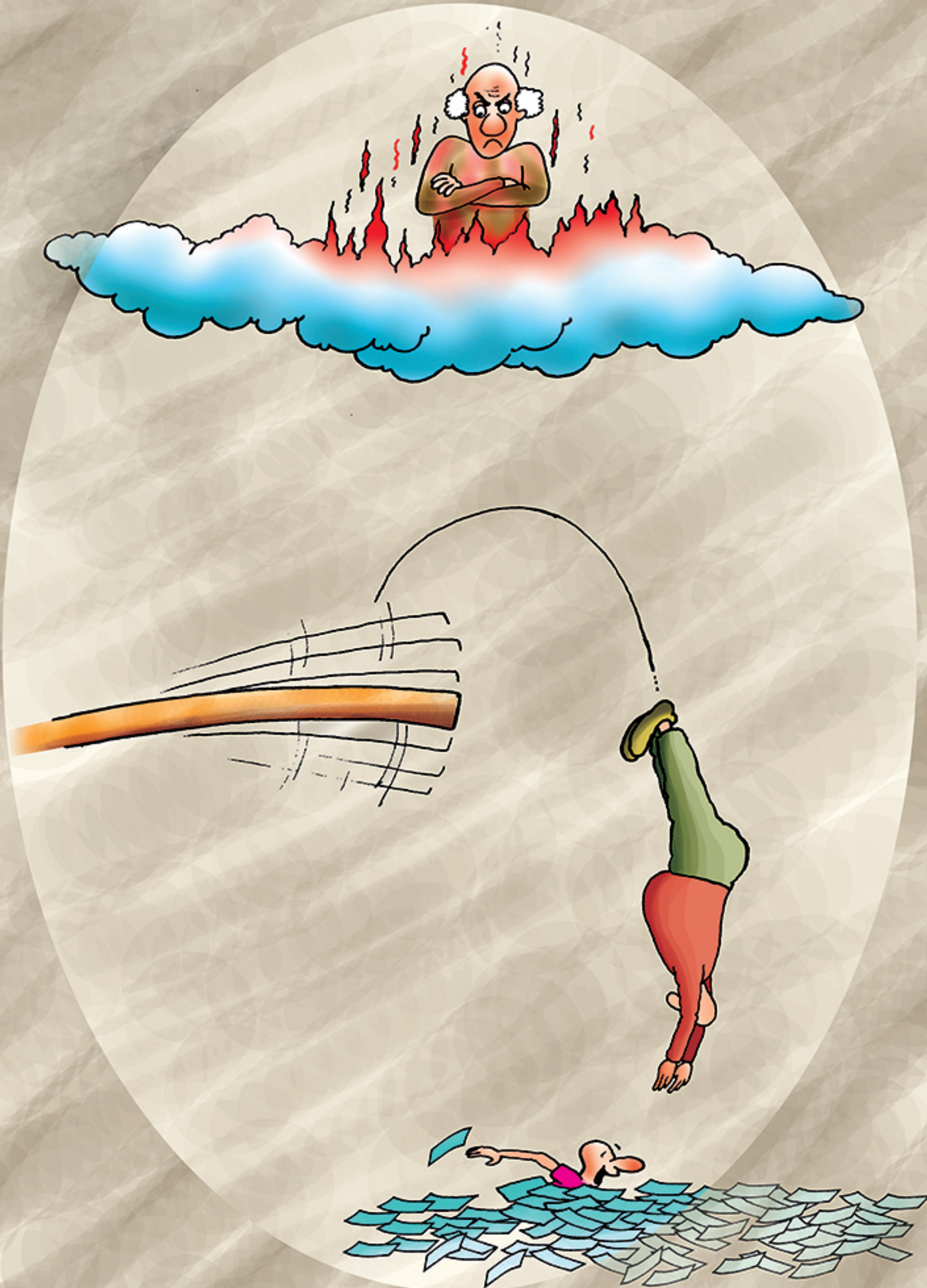
رئیس هیئت بود، فرش‌های مسجد را برداشته بود و در حسینیه انداخته بود. روی آن هم ظهر عاشورا غذا می‌داد و مردم با کفش می‌آمدند و فرش‌ها حسابی چرب و خاکی و کثیف می‌شد. به او گفتند: ای رئیس هیئت! آخرین فرش‌ها برای مسجد است، چیزی که وقف مسجد است، نمی‌شود در حسینیه آورد. گفت: آقای شیخ برو! ابوالفضل دست هایش را برای خدا داده است، خدا زیلوهایش را برای ابوالفضل نمی‌دهد؟ آقا جان! ابوالفضل دست هایش را برای خدا داد که تو خلاف شرع نکنی.





تصمیم به هنگام خشم

شخصی نزد من آمده بود تا همه اموالش را وقف کند. گفتم: انگیزه‌ات چیست؟ گفت: این همسر کزایی، این بچه کزایی، اصلاً از زندگی سیر شده‌ام. دیدم خیلی عصبانی است، گفتم: تو ناراحت هستی و از بغض اینکه چیزی به خانواده‌ات نرسد می‌خواهی اموالت را وقف کنی. این وقف قبول نیست برو کمی فکر کن.



وارثان می‌خورند

وقف جلوگیری از بریزو
پپاش وارثان است. آدم که
مال زیاد گذاشت، وارثان
بخور بخور راه می‌اندازند.
اسراف و تبذیر می‌کنند. اما
اگر بخشی از مالش را وقف
کرد، یک چیزی هم برای
وارث‌ها بگذارد. دیگر اینقدر
نیست که به عیاشی
بیافتند. وقف جلوگیری
کردن از اسراف و تبذیر
وارثان است.



پرتاب فندق برای جمع کردن گردو

آنکه به کارها ارزش می‌دهد رنگ الهی
داشتن است. افرادی هستند که وقتی
کمک می‌کنند، کمک را روی ریال می‌آورند.
افرادی هستند که اگر یک سطل زباله وقف
یک مسجد یا خیابانی بکنند، روی سطل
زباله می‌نویسد واقف جناب فلانی.
افرادی هستند که یک چیز کوچکی را که
می‌خواهند برای یک مؤسسه خیریه وقف
کنند، حتماً به کنار آن اسم واقف را می
نویسند. البته ممکن است این نوشتن
خوبیهائی داشته باشد که دیگران هم
تشویق بشوند؛ اما ممکن است بدیهایی هم
داشته باشد که ریاکاری باشد. یعنی من
این پنکه را دادم؛ وقتی به پنکه اسم خودم
را نوشتم، این زیلو و این فرش و این ماشین را
من دادم؛ اینها خودم را بزرگ می‌کنم و قرآن
می‌گوید کمک کن یعنی از خودت از مالت
بگذر؛ نه اینکه از مالت بگذرو خودت را
بیشتر بزرگ کن! ما بعضی وقتها فندق پرت
می‌کنیم به عشق اینکه گردو جمع کنیم.

قید و بند زیاد نزنید

کمی در وقف ها و انفاق ها باز و خالص نیت کنید. قید و بند زیاد نزنید. کسی می آید، و پولی می دهد و می گوید: دلم می خواهد از این پول، ساختمان سه گوش بسازی به اسم من و در شهر من. خب اگر برای خدا می دهی، این قدر به آن قید و بند نزن. به يك نفر مورد اطمینان خود بده و بگو بین خودت و خدا برای يك مصرفی خرج کن. اینقدر قید نزن که چنین و چنان باشد. مثلاً مدرسه ای را وقف کرده، آدم می خواهد وضو بگیرد و نماز بخواند، گفته است این مدرسه وقف همین آدم های این جاست. حالا عبور کننده ای آمده وضو بگیرد، معذور است. نمی تواند از اینجا استفاده کند.



قید و بند زیاد نزنید

کمی در وقف ها و انفاق ها باز و خالص نیت کنید. قید و بند زیاد نزنید. کسی می آید، و پولی می دهد و می گوید: دلم می خواهد از این پول، ساختمان سه گوش بسازی به اسم من و در شهر من. خب اگر برای خدا می دهی، این قدر به آن قید و بند نزن. به يك نفر مورد اطمینان خود بده و بگو بین خودت و خدا برای يك مصرفی خرج کن. اینقدر قید نزن که چنین و چنان باشد. مثلاً مدرسه ای را وقف کرده، آدم می خواهد وضو بگیرد و نماز بخواند، گفته است این مدرسه وقف همین آدم های این جاست. حالا عبور کننده ای آمده وضو بگیرد، معذور است. نمی تواند از اینجا استفاده کند.



امداد رسانی دائمی

امداد رسانی کار انبیاء است. پیغمبرها بودند که امداد رسانی می کردند. امیرالمؤمنین عمری کشاورزی کرد، همه ی اموالش را وقف کرد. بهترین امداد رسانی وقف است. گاهی امداد رسانی لحظه ای است. گاهی دائمی است. گاهی امداد فنی و حرفه ای است. می گویند: هرکسی را دوست نداری به او ماهی بده بخورد. هرکسی را دوست نداری این رقمی کمکش کن. برای امداد رسانی ماهی به او بده. هرکسی را دوست داری، تور به او بده که خودش ماهی بگیرد. هرکسی را خیلی خیلی دوست داری، تور بافی یاد او بده. همین که ما بتوانیم به يك جوان بیکار کار بدهیم، يك دختر را خیاط کنیم. يك پسر را مکانیک کنیم. امداد رسانی دائمی، نه امداد رسانی که حالا خرما بدهیم، چادر بدهیم. این يك امداد رسانی واجب است و لحظه ای. امداد رسانی دائمی!





بچه های بی خیر

افرادی هستند از بچه هایشان امید خیری ندارند، بچه هایشان دروادی اسلام یا نیستند یا آن کناره ها هستند و از عمرشان هم ۵۰، ۶۰ سال گذشته است، اگر چیزی دارند، چقدر خوب است که آن را وقف کنند. وقتی از وقفان درمانگاهی در روستا ساخته شود، مریضی که در آستانه مرگ است به درمانگاه مراجعه و از مرگ نجات می یابد. این مریض که سالم شد هر عبادتی بکند، اجرش به شما که درمانگاه را وقف کرده اید می رسد. یا اگر از درآمد مزرعه تان آن مخارج درمانگاه داده می شود، در اجرا و شریک هستید.



آمپول وقف

اگر الان يك آمپولی درآورند بگویند: آقا این آمپول يك میلیون تومان قیمت دارد، هرکس این آمپول را بزند، ۸۰ سال عمر او، ۱۶۰ سال می شود. حضرت عباسی همه در صف می رویم و پول می گذاریم که این آمپول را بزنیم تا عمرمان دو برابر شود. حالا يك آمپول به نام وقف است ۳ تا هم ویتامین دارد: «و»، «ق»، «ف» اگر انسان این آمپول وقف را به داراییش بزند، برای ابد می ماند.



وقف ده تومانی

ما عاشق کتاب نیستیم؛ اما از عاشقان کتاب برایتان بگویم. هر وقت حرف وقف را می زنیم می گویند ما که مزرعه نداریم وقف کنیم! پاساژی و سرمایه ای نداریم که وقف کنیم. این وقف را برای پولدارها بگو. وقف ده تومانی می شود؟ بله وقف کتاب! اگر فکر بالا باشد وقف مهم نیست. چه خوب است اگر هر کدام همان يك کتاب، دو کتاب و ۲۰ کتاب را وقف کنیم.



خود بینی یا جامعه بینی

کسانی که چیزی را وقف می کنند؛ معنایش این است که اینها دیگر خود بین نیستند، جامعه بین هستند. یعنی نمی گوید این باغ مال من باشد؛ می گوید این وقف باشد که کل مردم استفاده کنند. آن وقت چه برکاتی دارد این وقف ها. شما به آثار وقف فکر کرده اید؛ کسی که خوابگاهی را وقف دانشگاه می کند، می گوید: من یک خوابگاه می سازم برای دانشجویهای بی مسکن بعد تمام دیپلمه هایی که می آیند آنجا دکتر، مهندس و... می شوند و لیسانس و فوق لیسانس می گیرند. تمام خدمات ارزنده ای که بعداً می دهند پاداشش را آن کسی می برد که وقف کرده است؛ و لذا چیزی را هم که وقف می کنید وقف خاص نکنید. بعضی ها می گویند این وقف این مسجد است. بابا! بگو وقف مردم.



ممکن است سرکارشناس را هم کلاه بگذارد

يك جمله هم به کسانی که مال موقوفات دستشان است: ممکن است از اداره اوقاف بیایند بگیرند. ممکن است از يك تکه اش غفلت شود. ممکن است کارشناس قیمت گذاری کند؛ ولی ممکن است آدم سرکارشناس هم کلاه بگذارد. يك کسی می گفت: خدایا تو شر مردم را از سر ما کم کن، ما خودمان می دانیم با شیطان چه کنیم. یعنی آدم می شود با شیطان کنار بیاید، منتها مردم خیلی عجیب هستند. اگر کارشناس اوقاف هم آمد برای مالی که دست شماست نرخی تعیین کرد، خودت و خدا می دانی که قیمت این عادلانه نیست، باید بگویی. این هم يك تذکری بود برای کسانی که مال وقف دستشان است. آقایان کارشناس هم باید مواظب باشید، گاهی وقت ها خطرناک است. زود آدم می لغزد.



مانع راه خدا

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَصَدَّ عِبَادَكَ» (بخارالانوار/ ج ۹۴ / ص ۱۸۰) پناه می برم از این که «يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (اعراف / ۴۵) باشم. پناه می برم از این که حرکت، راهم، کارم، مانع راه خدا باشد. مگر مانع خدا هم می شود؟ بله، انسان کاری انجام می دهد که جلوی راه خدا را می بندد. وقف را می خورد. زمین وقف را می رود به اسم خودش می کند، افراد دیگر می گویند برو بابا، موقوفات را دیدی چطور بردند خوردند، من چطور وقف کنم؟ همین که احساس می کند افرادی مال وقف را خوردند، این دیگر عشق وقف کردن اموال درش از بین می رود.





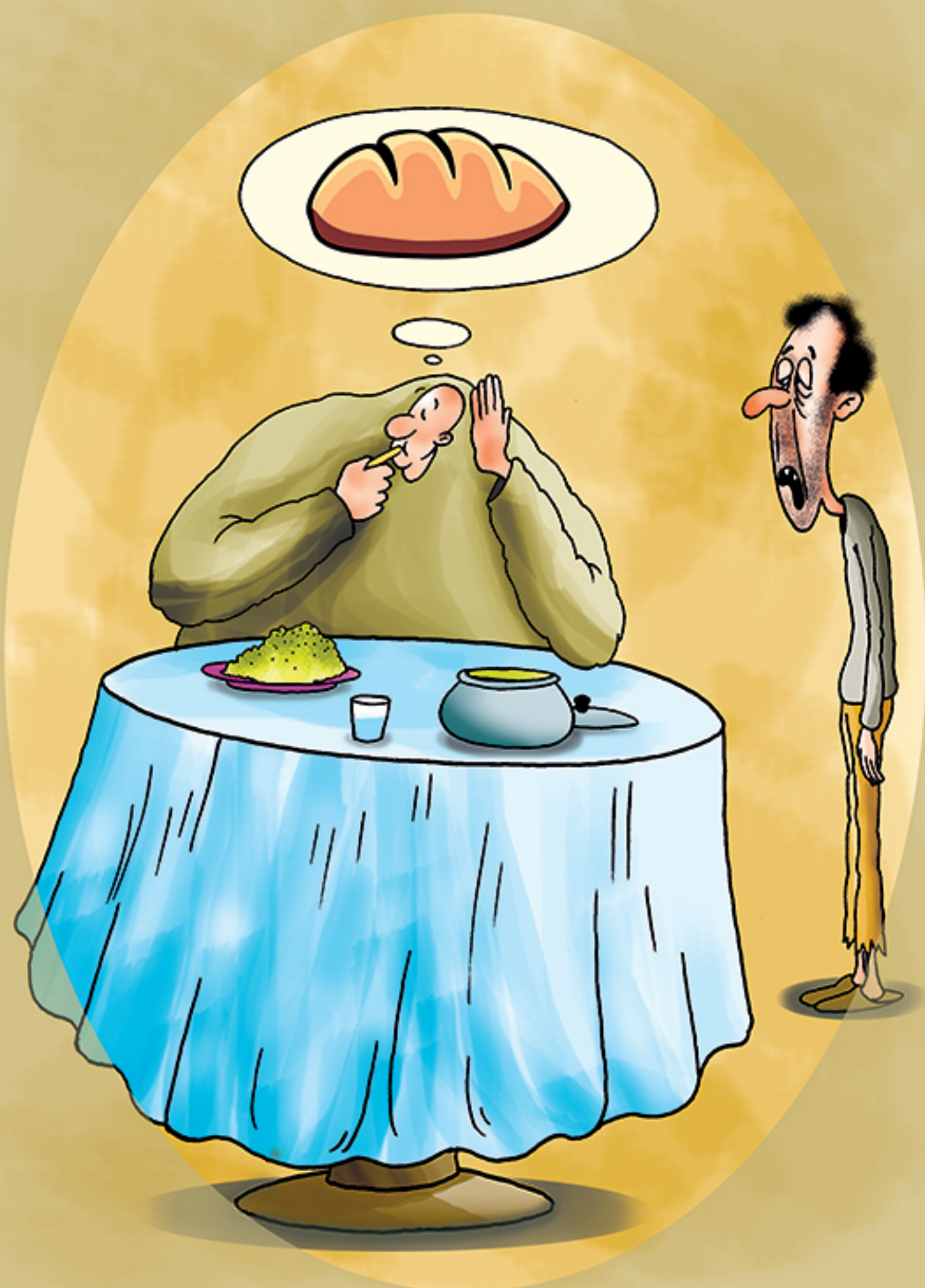
وامر بی اضطراب

افرادی که به دیگران وام می دهند، دغدغه دارند که آیا او پول را برمی گرداند یا خیر؟ اما وقتی شما چیزی وقف می کنید، از وقتی که آن وقف می شود، برکات و ثوابش را خدا برای شما ثبت می کند و اجر خدا اضطراب ندارد. بنده می روم يك حدیثی را در کتابخانه مطالعه می کنم و آن را در تلویزیون می خوانم. میلیونها آدم این حدیث را گوش می دهند و از آن استفاده می کنند، من آن حدیث را از کتاب خوانده ام، و آن کتاب وقفی است. یعنی يك کتاب هزار تومانی، میلیونها برکت دارد. يك خوابگاه و يك حوزه که وقف می شود، فردا هرکار خیری که این دانشجو یا طلبه انجام دهد، وقف کننده در آن کار خیر شریک است. یعنی دائماً سود دارد، سود بی دهره: «إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (کهف/ ۳۰) قرآن می فرماید: ما کار کسی را که عمل خیری انجام می دهد، ضایع نمی کنیم.



وجدان راحت واقفین

انسان وقتی غذایی می خورد و می بیند دیگران ندارند، به دلش نمی نشیند (مگر آنکه سنگدل باشد). انسانی که عاطفه دارد، انسانی که احساس و وجدان دارد، اگر چیزی بخورد که دیگران آن را نداشته باشند، غمناک است؛ اما وقتی به دیگران داد خیالش راحت است. انسان وقتی میهمانی می رود و چند رقم میوه جلوی او می گذارند اگر در خانه ی آنها میوه نباشد ناراحت می شود؛ اما اگر بدانند خانواده او هم از آن میوه دارند آرامش پیدا می کند. آدمی که وقف می کند وجدانش راحت است و می گوید: الحمدلله که خوردم و به دیگران هم دادم. این انسان، به عواطف و احساساتش جواب داده است.



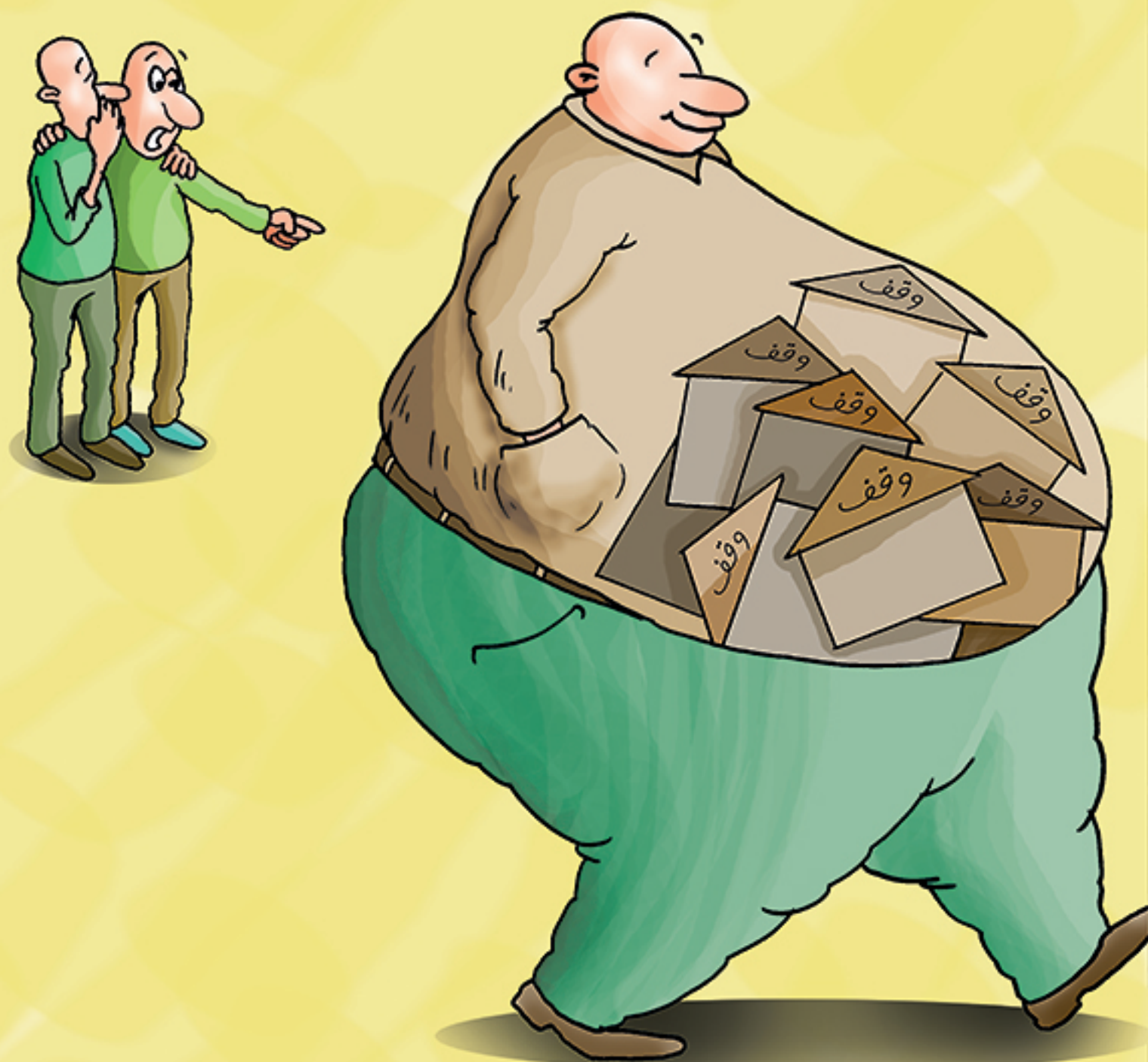
يك جورى كه نشود خورد

هر چیزی که وقف می کنید رویش حکاکی کنید که مثلاً این کاسه وقف است، این دیگ وقف است، کنار فرش ها بیافند که این وقف است. با کاشی کاری بنویسند. چون اگر این طور نباشد قورتش می دهند و يك آب هم رویش می خورند! فکر هم نکنید که این کامپیوترها جواب می دهند. این همه کامپیوتر در وزارتخانه ها است، يك وقت می بینی خیلی راحت يك کشتی در دریا گم شد. در میدان باریك دانه کامپیوتر هم نیست، يك نفر ندیده که يك گونی سیب زمینی گم شود. ذی حسانی و روابط عمومی و جمع بندی و هماهنگی و ... يك وقت می بینی همه با هم خوردند! يك جورى کنید که نشود خورد. مثل عصا کنید. چوب را آدم می تواند بخورد و آب هم رویش بخورد، اما وقتی عصا شد در دهان گیر می کند.





تورا به حضرت عباس اذیت نکنید
 بعضی خدا رحمتشان کند خوب آدمهایی
 بودند. منتهی مردنشان اسباب در دسر شده.
 نذر کرده این وقف این کار بشود. آقا از دنیا
 رفته نذر کرده که گردهای این مزرعه را
 بفروشید بالای حرم امام رضا (ع) دور تا دور
 بنشینند دعای توسل بخوانید بابا حرم امام
 رضا (ع) چقدر جا دارد همه مردم را بیرون
 می کنند یک عده می نشینند و دعای توسل
 می خوانند. می گوئیم آقا این میدان را چرا
 خالی کردید برای این ها.
 زوار جا تنگ است می گویند بانی نذر کرده
 خوب آنرا نمی شود کاریش کرد بخوانید چون
 وصیت را نمی شود تغییر داد.
 وصیت و وقف قابل تغییر نیست؛ ولی تورا
 به حضرت عباس اذیت نکنید.



رئیس دزدها

چیزی که خیلی مهم است این است؛ که:
 بعضی ها مال وقف را خورده اند! کسانی که
 مال موقوفه را می خورند مال اداره اوقاف را
 نخورده اند؛ بلکه مال آن گرسنه هایی که این
 موقوفات زندگی آنها را تأمین می کرد خورده اند
 و نام اینها را باید دزدهای بین المللی گذاشت.
 چون اگر پول بدزد از جیب قرائتی دزدیده
 است. اگر یک چیزی وقف یتیمی، امام
 حسین (ع)، عزاداری، تشنه ای، گرسنه ای،
 برهنه ای و ... شده و کسی آن را خورد این
 دزد، دزد بین المللی است. و در نهج البلاغه
 داریم، رئیس دزدها کسی است که مال بیت
 المال را بدزدد. این خیلی خطرناک است. و
 کسانی که مال موقوفه در گلویشان است و
 قوه قضائیه در حال در آوردن آنهاست،
 عددشان بیش از ۱۲ هزار نفر است. یعنی ۱۲
 هزار نفر دزد موقوفات هستند! هر کس سراغ
 دارد که فلان مال وقفی است و اداره اوقاف
 خبر ندارد، بیاید و خبر بدهد. چون اداره
 اوقاف که از همه چیز با خبر نیست.



عوض لوستر روی قبر

کسی که مدرسه فیضیه را وقف کرده یا مغازه
 ای یا پاساژی را وقف کرده است، اگر در
 مدرسه فیضیه یا مدارس دیگر طلبه هایی که
 درس می خوانند و بعد بلند می شوند به این
 طرف و آن طرف می روند. امام باقر (ع) و امام
 صادق (ع) می گویند: شریک اجرش همان
 آقایی است که این را وقف کرده است.
 در مملکت ما محروم زیاد است، بیست هزار
 روستا داریم که دبستان ندارند، ما ۲۰ هزار نفر
 داریم که وضع مالیشان خوب است؛ این ها
 هر کدام یک نامه ای به آموزش و پرورش
 می نویسند که ما یک مدرسه می سازیم و
 این مدرسه را وقف کنند و به آموزش و
 پرورش بدهند. آن وقت در این روستا تا ابد
 هر چقدر بچه ها خواندن و نوشتن یاد بگیرند
 ثوابش مال او است. عوض اینکه انسان
 برود یک مقبره بخرد، یا یک لوستر روی قبرش
 بگذارد، یا فرش ابریشم بیندازد یا یک دسته
 گلی بیاورند و روی قبرش بگذارند، کار خیر
 این است که وقف بکنند. وقف کار خوبی
 است بسیار هم ارزش دارد. عمر ۵۰ ساله را
 ۵۰۰ ساله می کند. و چقدر خوب است که
 آدم خودش از عمرش خیر ببیند.



گاو صندوق گوشتی

علاقه‌ی به دنیا! علاقه‌ی مفرطش خوب نیست. آنجا که خدا انتقاد می‌کند، می‌فرماید: «وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (فجر/ ۲۰) «حُبًّا جَمًّا» یعنی علاقه‌ی مفرط دارد. این بد است. که انسان دیگر به فقراء کمک نمی‌کند، هیچ وقف و ایثار و خدمتی به جامعه نمی‌کند، مرتب پول جمع می‌کند و یک گاو صندوق گوشتی می‌شود. گاو صندوق آهنی در بانک‌ها هست در مغازه‌ها هم هست. بعضی‌ها گاو صندوق گوشتی هستند. یعنی هیچ نم‌پس نمی‌دهند. این بد است. بخل، بد است. وگرنه دنیا، خوب است.

